ارزیابی کارنامه علمی-پژوهشی دولت یازدهم در گفت‌وگو با دکتر «بهزاد قره‌یاضی»

بالاترین رشد علمی کشور در دوره «روحانی» رقم خورد

علی شمس

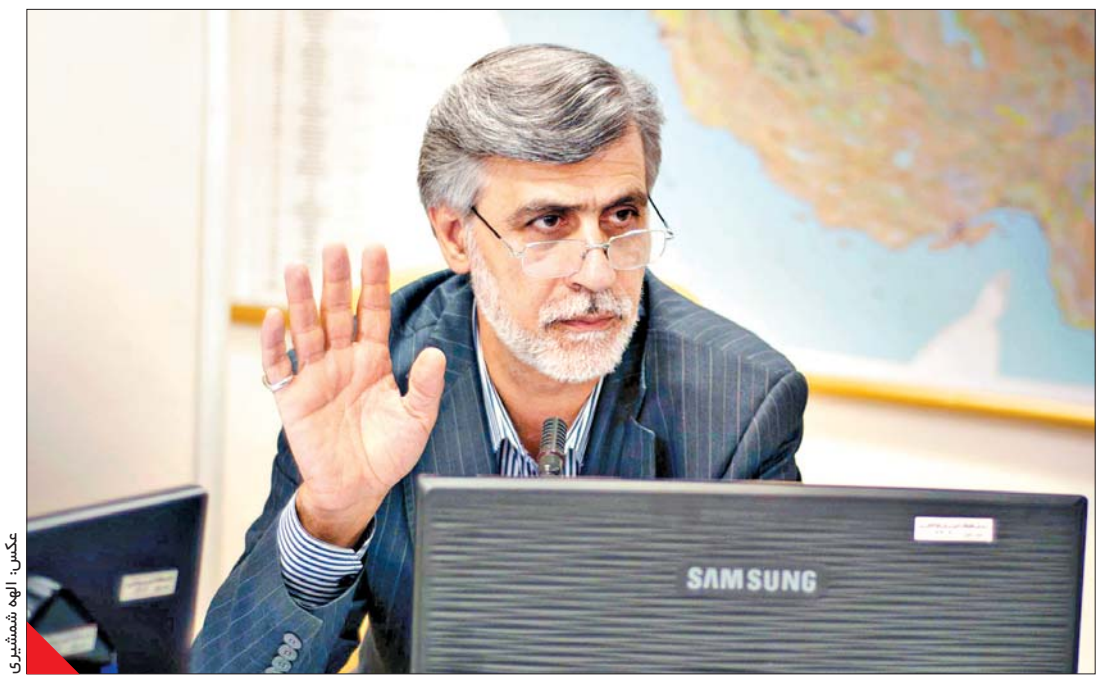

عکس: الهه شمشیری

دوره تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری فرصت مغتنمی برای نقد و ارزیابی علمی و منصفانه شرایط کشور و طرح دیدگاه‌ها و برنامه‌های اجرائی نامزدهاست با این حال فضای تبلیغات انتخاباتی و به‌ویژه مناظره‌های نامزدهای دوازدهمین انتخابات ریاست‌جمهوری، بیش از طرح برنامه‌های نامزدها به سمت افشاگری و زیرسؤال‌بردن رقبا می‌رود و کانون اغلب منازعات زیرسؤال‌بردن دکتر «روحانی» و عملکرد دولت یازدهم است. در چنین فضایی، طرح ادعای کندشدن روند رشد علمی کشور و بی‌توجهی دولت یازدهم به بخش تحقیقات، اگرچه مغایر با آمارها و گزارش‌های مستند مراجع علمی بین‌المللی و ملی است، اما چندان دور از انتظار نیست؛ اما سیاه‌نمایی و ادعای کاهش شتاب رشد علمی کشور فراتر از مدیران و دستگاه‌های دولتی، تلاش و توانمندی جامعه علمی و فناوری کشور را زیر سؤال می‌برد که در دشوارترین شرایط و تحت شدیدترین تحریم‌های خارجی هم از پا ننشستند و اکنون جهش علمی خیره‌کننده‌ای را رقم زده‌اند که از سوی ناظران غربی به رنسانس علمی ایران تعبیر شده است. مخالفان «روحانی» در گرماگرم کارزار انتخاباتی که روزبه‌روز داغ‌تر می‌شود، نیازی به ارائه سند و مدرک نمی‌بینند و رئیس‌جمهور و معاون‌اول او هم که به صحنه انتخابات آمده‌اند، در هیاهوی شعارها و وعده‌های مالی رقیبان و زیرسؤال‌بردن عملکرد دولت در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، دیپلماتیک، اجتماعی، فرهنگی و...، دفاع از کارنامه علمی دولت را چندان در اولویت نمی‌بینند. به همین دلیل برای کسب آمار و اطلاعات واقعی و علمی به حضور دکتر «بهزاد قره‌یاضی»، دانشمند سرشناس کشورمان، رفتیم. وی به شرط حفظ حریم همه نامزدهای انتخاباتی و پرهیز از جانب‌داری سیاسی، به‌گرمی پذیرایمان شد. دکتر «بهزاد قره‌یاضی»، رئیس امور پژوهش و فناوری سازمان برنامه و بودجه است. وی که به عنوان منتقد صریح‌اللهجه سیاست‌های علمی و کشاورزی کشور در دولت‌های نهم و دهم شناخته می‌شد، اکنون خود سکان تأمین و توزیع و نظارت و تا حدودی برنامه‌ریزی و هدایت بخش تحقیقاتی و فناوری کشور را بر عهده دارد. وی اقدامات صورت‌گرفته در این حوزه و موفقیت‌ها و دستاوردهای حاصل‌شده را از افتخارات بزرگ دولت و جامعه علمی و هدایت داهیانه رهبری و حمایت ویژه رئیس‌جمهور فعلی (دکتر روحانی) می‌داند و معتقد است این دستاوردهای بزرگ نباید دستمایه تخریب‌ها و منازعات زودگذر انتخاباتی شود. متن این مصاحبه را می‌خوانیم.

از جمله انتقاداتی که در مناظره انتخاباتی هفته گذشته از سوی دو نفر از نامزدها علیه دولت یازدهم مطرح شد، موضوع کاهش شتاب رشد علمی کشور و بی‌توجهی به تحقیقات و مقالات علمی از سوی دولت است در حالی که ادعای افزایش بی‌سابقه سهم پژوهش از تولید ناخالص ملی و رشد پرشتاب مقالات و تولید علم کشور مطرح شده است.

بنده احترام ویژه‌ای برای تک‌تک کاندیداهای محترم ریاست‌جمهوری قائلم و نه از باب پاسخ‌گویی به هیچ‌یک از نامزدهای محترم و نه حمایت از کاندیدایی خاص، بلکه حسب وظیفه به عنوان مدیری دولتی لازم می‌بینم مطالبی درخصوص عملکرد دولت یازدهم در حوزه علم و فناوری را به زبان آمار و مستندات رسمی به استحضار ملت شریف ایران برسانم. ادعای کاهش شیب رشد علمی کشور در حالی مطرح شده که آمار تولیدات علمی ایران که در سال ۱۳۹۱ برابر با ۳۰ هزار و ۶۵۲ مقاله بوده در سال ۱۳۹۵ برای نخستین بار از مرز ۵۰ هزار مقاله عبور کرد و شیب رشد علمی کشور هم که در سال ۱۳۹۱ نسبت به سال ۱۳۹۰ فقط ۵.۲ درصد بوده در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۹۴ به ۱۵ درصد رسیده است. ایران از حیث تعداد مقالات نمایه‌شده در پایگاه ISI هم در پایان سال ۱۳۹۱ در رتبه ۲۰ بود اما در پایان سال ۹۵ به ۱۷ ارتقا پیدا کرده و رتبه ایران در پایگاه اسکوپوس هم از ۱۷ به ۱۵ افزایش یافته است.

صرف‌نظر از رشد مقالات علمی در سایر شاخص‌های علم و فناوری چه روندی را تجربه کرده‌ایم؟

آمار تولیدات و مقالات علمی تنها شاخصی بود که در دولت‌های قبل مورد استناد قرار می‌گرفت و به سایر شاخص‌ها توجهی نمی‌شد زیرا در برخی از این شاخص‌ها سرافکنده بودیم. این مسئله همواره مورد انتقاد کارشناسان از جمله خود من بود. در دولت یازدهم سایر شاخص‌های رشد علمی به طور جدی مورد توجه قرار گرفت و جهش چشمگیری در بسیاری از این شاخص‌ها ایجاد شد به طوری که مثلا رتبه ایران در شاخص جهانی نوآوری (GII) که در سال ۱۳۹۱ بسیار پایین و برابر با ۱۰۴ بود، در پایان سال ۱۳۹۵ به ۷۸ ارتقا یافت و قطعا در صورت استمرار سیاست‌های فعلی، باز هم ارتقا پیدا خواهد کرد. در زمینه حمایت از تحقیقات و اختصاص بودجه به بخش پژوهش هم در دولت یازدهم بالاترین میزان تخصیص در دو دهه گذشته را داشتیم به طوری که حجم اعتبارات تحقیقاتی از بودجه کل کشور از حدود سه‌هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۱ به حدود هشت هزار و ۱۰۰ میلیارد تومان در سال ۱۳۹۵ رسید. درواقع نسبت اعتبارات تحقیقاتی از تولید ناخالص داخلی از ۰.۴۳ درصد در پایان سال ۹۱ به ۰.۶۴ درصد در پایان ۹۵ افزایش یافته است. نکته مهم این است به تعبیری که مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۵ بیان فرمودند، همین مقدار هم به تحقیقات داده نمی‌شد. ایشان فرمودند: «حالا من باید یقه چه کسی را بگیرم؟» اما در سال ۱۳۹۶ هم رشد اعتبار و هم تخصیص بسیار بالایی را داشتیم. از طرف دیگر تعداد پارک‌های علم و فناوری کشور نیز از ۳۶ واحد در سال ۹۱ به ۴۱ واحد در سال ۹۵ افزایش یافته است. تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان هم از ۳۳ شرکت در سال ۹۲ به حدود سه هزار و ۳۳ شرکت در سال ۹۵ افزایش یافته است، یعنی رشد چندهزاردرصدی! در زمینه اختراعات و نوآوری‌ها هم شمار اختراعات ثبت‌شده در مراجع بین‌المللی از ۲۸ مورد در پایان سال ۹۱ به حدود ۲۳۸ مورد در پایان سال ۹۵ افزایش یافته است. در شاخص آمادگی فناوری رتبه جهانی کشور که در پایان ۹۱ بهتر از ۱۱۱ نبود، در عرض چهار سال ۱۲ پله ارتقا یافته است.

افزایش قابل توجه تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان در سال‌های اخیر چه دستاوردی برای کشور داشته و دولت چه اقداماتی برای حمایت از این شرکت‌ها کرده است؟

این شرکت‌ها توانسته‌اند مستقیم یا غیرمستقیم برای حدود ۵۷ تا صد هزار نفر فرصت شغلی ایجاد کنند. میزان فروش محصولات این شرکت‌ها هم بالغ بر ۲۰۰ هزار میلیارد ریال بوده است. در راستای حمایت از این شرکت‌ها (که مورد تاکید رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز هست)، سرمایه تخصیص‌یافته به صندوق نوآوری و شکوفایی از رقم ناچیز ۲۵ میلیارد تومان در سال ۹۲ به‌شدت افزایش یافت و در حال حاضر با احتساب ۲۰۰ میلیون دلار پیش‌بینی‌شده در قانون بودجه سال ۹۶ به دو هزار و ۹۰۰ میلیارد تومان رسید، از طرف دیگر تعداد شرکت‌های ارائه‌دهنده طرح از ۴۸ شرکت در بدو فعالیت صندوق به دو هزار و ۲۰۳ شرکت در حال حاضر افزایش یافته است.

تجربه سال‌های گذشته نشان داده معمولا میزان واقعی اعتبارات تخصیص‌یافته در حوزه‌های مختلف پژوهش و فناوری فاصله قابل‌توجهی با اعتبارات مصوب در قانون بودجه دارد. اعتبارات پژوهش و فناوری مصوب دولت یازدهم در عمل چقدر محقق شده است؟

به نکته خوبی اشاره کردید. با اینکه این دولت نیز هنوز نتوانسته سهم پژوهش از تولید ناخالص داخلی را به میزان مطلوب مقام معظم رهبری افزایش دهد، اما با توجه به اعتقاد عمیق و رویکرد حمایتی رئیس‌جمهور و مجموعه دولت نسبت به حوزه علم و فناوری، میزان تحقق بودجه‌های مصوب این بخش هم بی‌سابقه است، به طوری که میزان تخصیص اعتبارات تجهیز و تکمیل تمام دانشگاه‌ها و همه واحدهای پژوهشی سراسر کشور در سال ۱۳۹۵، صد درصد بود و برای اولین بار صد درصد اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (عمرانی) سازمان تحقیقات آموزش و ترویج کشاورزی محقق شده است. در سال ۱۳۹۶ هم برای اولین بار برای هر یک از ۴۰ مرکز رشد دانشگاهی کشور که همه آنها تا پیش از این تنها متکی به بودجه دانشگاه بودند ۲۰۰ میلیون تومان اعتبار در نظر گرفته شد، البته به مراکز رشد دانشگاه فردوسی نیز ۴۰۰ میلیون تومان اختصاص یافت.

انتقاد دیگری از سوی یکی از نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری مطرح شده بود مبنی بر اینکه اجرای طرح‌های ملی پژوهشی در دولت یازدهم متوقف شده است. البته تصویب این طرح‌ها در شورای عالی عتف در دولت گذشته هم با حرف‌وحدیث‌ها و ابهامات فراوانی همراه بود و بسیاری از آنها در دولت دهم نیز امکان اجرائی‌شدن نیافتند. درباره وضعیت این طرح‌ها توضیح دهید.

در دولت دهم جمعا ۴۷ طرح کلان ملی پژوهشی در شورای عالی عتف تصویب شد که اعتبار پیش‌بینی‌شده برای هر کدام، برخلاف طرح‌های پژوهشی معمول تا ۲۰۰ میلیارد تومان هم می‌رسید، در حالی که بسیاری از این طرح‌ها بدون طی روال ارائه پروپوزال، بررسی و داوری و گاهی برای مسئولان دولت وقت تصویب شده بودند. جالب اینکه شورای عالی عتف پس از انتخاب‌شدن آقای دکتر «روحانی» در سال ۱۳۹۲، در فاصله سه، چهار هفته تا استقرار دولت یازدهم در تیر و مرداد ۹۲، با برگزاری عجولانه دو جلسه، تعدادی طرح را که برخی فاقد حتی یک برگ پروپوزال بودند، با میلیاردها تومان اعتبار برای برخی مدیران ارشد دولت دهم تصویب کرد. کل اعتبار مورد نیاز برای اجرای این طرح‌ها بیش از دوهزار و ۴۰۰ میلیارد تومان بود ولی هیچ اعتباری در بودجه‌های سنواتی برای آنها پیش‌بینی نشده بود. با توجه به اعتبار بالای این طرح‌ها و ابهامات موجود در مورد نحوه تصویب آنها، به‌ویژه از جنبه مشتری‌مداری هر ۴۷ طرح مورد بازنگری قرار گرفتند که براساس مصوبه شورای عالی عتف، ۱۳ طرح خاتمه‌یافته اعلام و ۲۲ طرح مجددا تصویب شدند و ۱۳ طرح دیگر در حال بررسی هستند. بنابراین ادعای توقف کامل طرح‌های کلان ملی (با وجود همه ابهامات و مشکلات آنها) به هیچ‌وجه صحت ندارد و اتفاقا دولت یازدهم با وجود عدم پیش‌بینی اعتبار طرح‌ها، اعتبار برخی از آنها را بیش از دولت قبل تأمین کرده است. ما در سال ۱۳۹۶ ردیف اعتباری ویژه‌ای را در مجلس محترم به تصویب رساندیم تا اعتبارات مورد نیاز همین طرح‌های کلانی که مورد بازنگری قرار گرفته و تأیید شده‌اند، تأمین شود.

ادعای کاهش شیب رشد علمی کشور در حالی مطرح شده که آمار تولیدات علمی ایران که در سال ۱۳۹۱ برابر با ۳۰ هزار و ۶۵۲ مقاله بوده در سال ۱۳۹۵ برای نخستین بار از مرز ۵۰ هزار مقاله عبور کرد و شیب رشد علمی کشور هم که در سال ۱۳۹۱ نسبت به سال ۱۳۹۰ فقط ۵.۲ درصد بوده در سال ۱۳۹۵ نسبت به سال ۹۴ به ۱۵ درصد رسیده است. در مورد تعداد مقالات نمایه‌شده در پایگاه ISI هم وضعیت چنین است

دولت یازدهم در حوزه فناوری‌های راهبردی که از اولویت‌های پژوهش و فناوری کشور هستند، چه اقداماتی صورت داده است؟

اگر تنها به سه حوزه پیشرو فناوری هوافضا، نانوفناوری (نانوتکنولوژی) و فناوری زیستی (بیوتکنولوژی) نگاه کنیم، اقدامات و دستاوردهای چشمگیری از سوی دولت صورت گرفته است. در حوزه هوافضا که نخستین اولویت ساماندهی پژوهش سازمان برنامه و بودجه در سال ۹۴ بود، می‌توان به احیای پژوهشگاه هوافضا اشاره کرد. پژوهشگاه هوافضا به معنی واقعی کلمه نابود شده بود و وقتی من بر سر کار آمدم، حتی نمی‌توانستیم حقوق کارکنان آن تا ماه تیر را هم تأمین کنیم. تقویت پژوهشگاه فضایی و سازمان فضایی ایران، تأسیس مرکز ملی فضایی و اختصاص ۲۲۹ هزار و ۳۱۵ میلیون ریال به هشت طرح کلان هوافضا از جمله دیگر اقدامات است. در حوزه نانوفناوری هم تعداد محصولات از ۱۷۱ قلم در سال ۹۲ به بیش از ۵۰۰ قلم در سال ۹۵ افزایش یافت و حجم بازار و درآمد محصولات نانوی ساخت ایران از ۲۰۴ میلیارد ریال در سال ۱۳۹۲ به سه هزار و ۸۷ میلیارد ریال در سال ۹۴ رسیده است. اینها موفقیت چشمگیری است که علاوه بر همت محققان و فناوران جوان کشور، سیاست‌های حمایتی و انگیزشی دولت تدبیر و امید هم در تحقق آنها مؤثر بوده است. در حوزه زیست‌فناوری هم ستاد توسعه زیست‌فناوری با اعطای تسهیلات به طرح‌ها، کمک قابل‌توجهی به توسعه این فناوری کرده است. در سال ۹۴ تعداد ۸۲ طرح به ارزش یک میلیون و ۱۳۲ هزار و ۲۱۰ میلیون ریال مشمول تسهیلات حمایتی ستاد شده‌اند که ۶۰ برابر تسهیلات اعطایی ستاد به تنها ۹ طرح مصوب به ارزش کلی ۱۸ هزار و ۵۰۰ میلیون ریال در سال ۹۲ است. مراکز پژوهشی پیشرو مثل پژوهشکده بیوتکنولوژی کشاورزی، ستاد توسعه بیوتکنولوژی، پژوهشگاه ملی زیست‌فناوری و مهندسی ژنتیک و مرکز ملی ذخایر ژنتیکی و زیستی جهاد دانشگاهی به عنوان بزرگ‌ترین بانک زیستی کشور هم با بهره‌گیری از حمایت‌های دولتی، رشد چشمگیری را در سال‌های اخیر تجربه کرده‌اند. مجموعه دولت یازدهم همچنین با تشکیل مرکز راهبردی فناوری‌های هم‌گرا ذیل معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری، ترویج و فرهنگ‌سازی حوزه فناوری‌های هم‌گرا (NBICS) که تلفیقی از فناوری‌های نوظهور نانو، زیست‌فناوری، فناوری اطلاعات و علوم‌شناختی است، مورد توجه قرار داده است. به طور کلی معاونت علمی رئیس‌جمهور و بنیاد ملی نخبگان در دوره اخیر خوش درخشیدند که مرهون حمایت‌های رهبری و رئیس‌جمهور و مدیریت عالی دکتر «ستاری» است.

با توجه به رشد چشمگیر تولیدات علمی و برنامه‌های حمایتی دولت در حوزه تحقیقات و فناوری، به نظر شما زیرسؤال‌بردن دستاوردها و موفقیت‌های جامعه علمی کشور از سوی برخی نامزدهای انتخابات ریاست‌جمهوری چه بازخوردی در جامعه علمی و دانشگاهی کشور خواهد داشت؟

رقابت در عرصه انتخابات اشکالی ندارد، ولی اینکه نامزدی همان جامعه‌ای را که می‌خواهد رأی و نظرشان را جلب کند، غیرمنصفانه تخریب کرده و زیر سؤال ببرد و به جای قدردانی از تلاش‌هایشان، موفقیت‌ها و دستاوردهایشان را کتمان کند، شاید نوعی خودزنی هم محسوب شود. در حالی که پژوهشگران و فناوران کشور تحت وحشیانه‌ترین تحریم‌های ناشی از بی‌درایتی در سخن و عمل دولتمردان نهم و دهم، با رشدی خیره‌کننده در شاخص‌های علمی مایه افتخار کشور در عرصه بین‌المللی شده و موجبات خرسندی مقام معظم رهبری را فراهم کرده‌اند، پیشرفت علمی کشور را پسرفت توصیف‌کردن، قدردانی شایسته‌ای از محققان و پژوهشگران کشور نیست! در مظلومیت دولت یازدهم همین بس که افراد و جریان‌هایی که خود مانع یا مخالف افزایش اعتبارات پژوهشی کشور بوده و هستند، امروز داعیه‌دار و نگران بودجه پژوهش و رشد علمی کشور شده‌اند! برای مثال در لوایح بودجه ۹۵ و ۹۶ تقدیمی به مجلس شورای اسلامی، معادل ۴۰۰ میلیون دلار از صندوق توسعه ملی به تجهیز آزمایشگاه‌های تحقیقاتی دانشگاه‌ها و واحدهای پژوهشی و فناوری گنجانیده شده بود که با وجود تصویب آن در کمیسیون آموزش و تحقیقات، جریان مخالف دولت با لابی سنگین مانع از تصویب آن شد و در مقابل، در بودجه امسال اعتبارات هنگفتی از محل همین صندوق به صداوسیما و برخی بخش‌های دیگر اختصاص داده شد که نتایج آن در تهاجم عریان برخی جریانات به دولت، در صداوسیما مشهود است. در سال گذشته با وجود چنین مخالفت‌هایی در سایه رویکرد حمایتی دولت، اعتبارات مصوب معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری و مراکز پژوهشی کشور، حتی بیش از رقم مقرر در بودجه تخصیص داده شد. با همه کم‌عنایتی‌هایی که خارج از دولت به بخش پژوهش شده و در حالی که مسئولان پیگیری اجرای سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری در حوزه پژوهش، خود مانع تحقق سهم قانونی پژوهش از تولید ناخالص ملی شده‌اند، دولت، جامعه علمی و پژوهشگران ما نه‌تنها دلسرد نشده‌اند، بلکه با روحیه آرامش ناشی از دیپلماسی فعال دولت و بازگشت فضای تدبیر و امید به دانشگاه‌ها، توانسته‌اند عروج دوباره علم و فناوری کشور را رقم بزنند.

سؤالی که گاه با انگیزه‌های سیاسی از سوی مخالفان دولت و گاه از سوی برخی مردم مطرح می‌شود این است که روند رشد علمی و پژوهشی کشور در سال‌های اخیر، در عمل چه تأثیری در زندگی مردم داشته است؟ چه پاسخی برای این گروه‌ها دارید؟

به عنوان یک محقق در حوزه زیست‌فناوری کشاورزی خوشحالم اعلام کنم برای اولین بار کشور از واردات نهال کشت بافتی بی‌نیاز شده است. تجلی بارزتر همراهی جامعه پژوهشی، دانشگاه‌ها و بخش‌های اجرائی کشور نیل دوباره به خودکفایی گندم بود که شاید واژه خودکفایی هم از توصیف این موفقیت ناتوان باشد چراکه در سال ۹۱ که به عنوان سال تولید ملی نام‌گذاری شده بود، دولت دهم بیش از شش میلیون و ۷۰۰ هزار تن گندم وارد کرد و سیلوهای کشور با وجود تنها هزار و ۸۰۰ تن گندم، تقریبا خالی بود در حالی که در پایان سال ۹۵، هفت میلیون و ۷۸۱ هزار تن گندم در سیلوهای کشور موجود است که این موفقیت جز از طریق واگذاری دانش فنی تولید بذر به شرکت‌های دانش‌بنیان و توجه ویژه وزارت جهاد کشاورزی خصوصا معاونت زراعت به یافته‌های پژوهشی و همدلی و همراهی پژوهشگران حاصل نمی‌شد. مثال‌هایی از این دست زیادند.

در پایان اگر مطلبی را لازم می دانید مطرح کنید.

کم‌لطفی‌ها و بی‌انصافی‌ها در نقد و ارزیابی عملکرد دولت یازدهم که این روزها در جریان رقابت‌های انتخاباتی تشدید شده، طبعا منحصر به حوزه علم و فناوری نیست و متأسفانه این رویکرد غلط در سایر حوزه‌ها هم از سوی برخی جریان‌های سیاسی دنبال می‌شود. نکته‌ای که مایلم به آن اشاره کنم رویکرد ویژه دولت یازدهم به حمایت از اقشار کم‌درآمد و محرومان مولد کشور است. برای مثال در بخش کشاورزی در حالی که در سال ۹۲ بالغ بر ۱۰۹ هزار تن برگ چای سبز به قیمت ۲۹ میلیارد تومان از کشاورزان خریداری شده بود، در سال ۹۵ میزان خرید به ۱۳۹ هزار تن و مبلغ پرداختی به ۱۴۵ میلیارد تومان (یعنی دقیقا ۵۰۰ درصد رشد) افزایش یافت. میزان خرید تضمینی گندم از کشاورزان هم از ۸۸۲ میلیارد تومان در سال ۹۱ با ۱۷ برابر افزایش به هزار و ۴۷۰ میلیارد تومان رسید که این افزایش قابل توجه، نشان از حمایت ویژه دولت یازدهم از کشاورزان و روستاییان مولد دارد که در صورت استمرار، به افزایش درآمد و ارتقای روزافزون سطح زندگی شرافتمندانه کشاورزانی منجر می‌شود که با عزت نفس به پیشنهاد رأی در مقابل صدقه، نه بگویند. در زمینه توجه به وضعیت معیشتی فرهنگیان و دیگر کارکنان دولت هم در سال‌های ۹۲ تا ۹۶ با رشد ۲۳۰درصدی دستمزدها مواجهیم در حالی که رشد اعتبارات هزینه‌ای فقط ۷۳ درصد بوده است. دریافتی مستمری‌بگیران مانند خانوارهای تحت پوشش کمیته امداد هم ۳۴۰ درصد رشد داشته که حاکی از توجه دولت به جامعه فرهنگی و اقشار کم‌درآمد و تلاش برای محرومیت‌زدایی است. در پایان امیدوارم ایام تبلیغات انتخابات که فصل نشاط و مشارکت سیاسی آحاد مردم و زمان ارائه گزارش و برنامه‌های نامزدهاست، در فضایی سالم و سرشار از وحدت و همدلی سپری شده و مجالی برای ایجاد کدورت و دلخوری باقی نماند.

آینه‌های روبه‌رو

درباره شتاب علمی کشور

کارآفرینی در دانشگاه

فاطمه کاظمی

معاون پژوهشی و فناوری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، صدور مجوز پارک‌های علم و فناوری تخصصی و خصوصی را از اقداماتی برشمرد که برای اولین‌بار در دولت یازدهم به نتیجه رسیده است. دکتر «وحید احمدی» سه‌شنبه گذشته در دوازدهمین نشست سران پارک علم و فناوری عضو انجمن آسیایی پارک‌های علمی (ASPA) گفت: «در تمام کشورها پارک‌های علم و فناوری و مراکز رشد به عنوان محوری‌ترین عامل برای رشد و توسعه اقتصادی و صنعتی کشورها شناخته می‌شود». وی افزود: «اصطلاح‌های توسعه دانش‌بنیان و اقتصاد دانش‌بنیان که در ایران رایج شده است، در دیگر کشورها نیز مورد توجه قرار می‌گیرد». دکتر «احمدی» به فعالیت پارک‌های علم و فناوری در سراسر کشور اشاره کرد و گفت: «اغلب دانشگاه‌های ما مرکز رشد دارند و حتی بخش خصوصی به‌ویژه صنایع می‌توانند برای راه‌اندازی مراکز رشد حوزه تخصصی خود مجوز بگیرند و نباید تصور شود مرکز رشد، فقط مختص دانشگاه‌هاست». وی یادآور شد: «در دوره‌های قبل، مجوز ایجاد پارک‌های علم و فناوری به بخش خصوصی داده نمی‌شد، ولی در دولت فعلی (یازدهم) به این نتیجه رسیدیم وجود پارک‌های تخصصی و پارک‌های خصوصی در کشور لازم است». به گفته معاون وزیر علوم، فعالان صنعتی در حوزه‌های مختلف می‌توانند در صورت داشتن شرایط لازم، مجوزهای مربوطه را از وزارت علوم دریافت کنند. وی خاطرنشان کرد: «آیین‌نامه و اساسنامه‌های مربوط به ایجاد پارک‌های علم و فناوری تخصصی و خصوصی در وزارت علوم، تهیه شده و از این امر حمایت و استقبال می‌کنیم». دکتر «احمدی» درباره نشست سران پارک علم و فناوری عضو انجمن آسیا نیز گفت: «هدف این انجمن آسیایی، استفاده از ظرفیت کشورهای منطقه در قالب یک شبکه پارک‌های علم و فناوری است و کشورهای چین، ژاپن و کره جنوبی جزء پیشگامان این حوزه در آسیا هستند و ایران نیز خوشبختانه یکی از اعضای بسیار فعال در آسیا است». به گفته دکتر «احمدی»، هم‌اکنون حدود ۱۵ پارک ایران که قدمت و سابقه فعالیت بیشتری دارند، عضو انجمن جهانی پارک‌های علم و فناوری هستند و زمینه برای عضویت دیگر پارک‌های کشور نیز درحال ایجاد است». در اردیبهشت سال جاری نیز معاون آموزشی وزیر علوم، تحقیقات و فناوری گفته بود: «در راستای بومی‌کردن علم و کمک به اجرای اقتصاد مقاومتی، مراکز کارآفرینی و نوآوری دانشگاه‌ها در این وزارتخانه در دولت یازدهم ۱۱۰ درصد رشد داشته است». دکتر «مجتبی شریعتی‌نیاسر» گفته بود: «اشتغال ایجادشده در حوزه دانش‌بنیان در این مدت ۵۰ درصد رشد داشته و امروز ۳۲ هزار جوان در پارک‌های علم و فناوری کشور مشغول به کار هستند». وی با اشاره به صادرات ۱۴ میلیون‌دلاری کالاهای دانش‌بنیان در سال ۹۲، خاطرنشان کرد: «این میزان صادرات در سال ۹۵ با ۱۰ برابر رشد ۱۴۰ میلیون دلار شده است». وی در ادامه گفت: «دولت توانسته شتاب علمی کشور را از رتبه ۲۵ در سال ۹۲ به رتبه نخست دنیا در سال ۹۵ برساند». دکتر «شریعتی‌نیاسر» با اشاره به گام‌های مثبت دولت یازدهم در حوزه آموزش عالی، تصریح کرد: «این دولت توانست اقتدار مراکز علمی، ارتقای کیفی آنها و کنترل کمی وضعیت آموزش عالی در کشور را بازگرداند». معاون وزیر علوم اظهار کرد: «در دولت قبل تعداد مراکز علمی شاهد رشد نامتوازن، بی‌رویه و خارج از کنترل بود، به گونه‌ای که جمعیت دانشجویی کشور در هشت سال، ۱۲۰ درصد افزایش داشته و تعداد مراکز نیز از ۹۱۶ به بیش از ۲ هزار و ۸۰۰ مرکز رسیده است». وی منطقه‌ای کردن آموزش عالی، مدیریت منطقه‌ای و مأموریت‌گرایی دانشگاه‌ها را از جمله کارهای مهم این وزارتخانه در این زمینه برشمرد.

ادامه از صفحه ۹

بنن، رئیس‌جمهور در سایه آمریکا باقی می‌ماند

بله اگر از بیرون و در ظاهر به این دو اندیشه نگاه کنیم، آن را به هیچ عنوان قابل تجمیع نمی‌دانیم؛ مثلا اگر از دید یک روزنامه‌نگار روشنفکر و انسانی صاحب اندیشه به مسئله نگاه کنیم به نتیجه شما می‌رسیم که این دو در یک قالب تناقض‌گونه قابل هضم نیست، اما اگر از زاویه شیفته‌کردن مخاطب و توده مردم به آن نگاه کنیم، اتفاقا این تناقض، یک ترکیب بسیار موفق، کارا و جذابی را ایجاد می‌کند؛ پس این مسئله با این دید قابل درک است؛ بنابراین با این دید، اگر فرمان منع روادید برای شش کشور را به بوته تحلیل ببریم، به‌خوبی می‌توان این تناقض را دید؛ چراکه از یک‌سو با نگاه آکادمیک و علمی، نهادهای حقوقی، دانشگاهی و رسانه‌ای این فرمان را به‌شدت نادرست می‌دانستند؛ زیرا نه با تئوری‌های علمی همخوانی داشت و نه با قانون این کشور.

اما از دید طرفداران بنن و ترامپ، این فرمان به‌شدت مورد استقبال قرار گرفت؛ پس می‌بینید دستورات و فرمان‌های ترامپ اگر با دید علمی تحلیل شود، به‌شدت متناقض است و این تناقض به‌قدری جدی است که نه با اندیشه دموکرات‌ها نسبتی دارد و نه جمهوری‌خواهان؛ بنابراین نکات مطرح‌شده به‌خوبی روشن می‌کند که جذب آرای توده مردم چقدر مهم است.

با گذر از جایگاه مهم شخصیتی استیو بنن، در مدت اخیر، ترامپ او را از شورای امنیت ملی خارج کرد. آیا این مسئله نشانه‌ای از کم‌رنگ‌شدن بنن نیست؟ آن هم کسی که همه او را «رئیس‌جمهور» در سایه می‌نامیدند؟

بنن هنوز «رئیس‌جمهور در سایه» و همچنان در ساختار مدیریتی کابینه ترامپ شخصیتی بسیار مؤثر است. اما این سؤال مهم شما به بُعد اختلافی بنن با کوشنر و ترامپ می‌پردازد؛ البته تنش کوشنر و بنن ریشه‌ای‌تر از یک اختلاف عقیده ساده است؛ ازاین‌رو که این دو نفر، نماینده دو طیف فکری کاملا متضاد هستند. هنگامی که دستگاه‌های نظامی و امنیتی برنامه‌های خود را در قالب سیاست کلی آمریکا به ترامپ دادند، اختلاف میان بنن و ترامپ شکل گرفت و بعد از آن هم شدت یافت؛ برای شخصی مانند خود بنن چیزی غیر از آمریکا اهمیت ندارد؛ این اهمیت و تعریف آن از دید اندیشه‌های بنن فقط معطوف به اعتلای داخلی آمریکاست و در این راستا نباید هزینه‌های سنگین و گزافی که می‌توان آن را صرف توسعه آمریکا کرد، برای جنگ‌هایی که برای واشنگتن هیچ‌گونه فایده‌ای ندارد هزینه کرد.

در واقع دکترین بنن بازسازی آمریکا از درون است؛ بنابراین نباید در افغانستان، عراق، سوریه و حتی کره، تایوان و... دلارهای آمریکایی که می‌توانند به اشتغال و تولید بینجامد را خرج کرد. از دید بنن، امنیت سوریه، افغانستان، عراق و هر جای دیگری ارتباطی به آمریکا ندارد. او همواره این سؤال را مطرح می‌کند که چرا یک سرباز آمریکایی باید برای امنیت یک کشور دیگر کشته شود؟ پس به‌واسطه تأثیری هم که ترامپ از بنن می‌پذیرفت تقریبا شعارهایی را به‌خصوص در دوران تبلیغات انتخاباتی در همین راستا می‌داد، مثلا انتقاد شدید از دولت بوش به واسطه جنگ افغانستان و عراق یا انتقاد از دولت «باراک اوباما». اما به مرور دستگاه‌های استراتژیست، سازمان‌های امنیتی و نظامی به ترامپ فهماندند که این رویه فکری به دور از واقعیت‌های امروز صحنه بین‌الملل است و به واسطه این سیاست‌های ترامپ، هیئت حاکمه در آمریکا به این نتیجه رسیدند که در تنظیم نظم جهانی به حاشیه رفته‌اند. پس این دستگاه‌ها در راستای نمایش قدرت آمریکا و مخابره آن به جهان، ترامپ را هم مجاب کردند که باید دست به انجام عملی بزند تا بازیگران بین‌الملل، به‌ویژه در سوریه دوباره متوجه جایگاه اول آمریکا شوند. زمانی که مسئله حملات شیمیایی به منطقه «خان شیخون» سوریه به وجود آمد، بستر بسیار مناسبی برای این کار شکل گرفت تا به کشورهای جهان و به‌ویژه متحدان سوریه بفهماند هیچ معادله‌ای در روابط بین‌الملل بدون درنظرگرفتن آمریکا صورت نخواهد گرفت؛ به‌خصوص که نشست‌های «آستانه» و «ژنو»، بدون نقش‌آفرینی واشنگتن انجام شده بود که با حمله موشکی به «شعیرات» ویترین بسیار زیبایی را برای این هدف خود انتخاب کردند. باوجود اینکه بسیاری از تصمیمات آقای ترامپ اشتباه بود و رنگ پوپولیستی غیرعقلایی و غیرحقوقی داشت، حمله موشکی اخیر به سوریه یک تصمیم ارزیابی شده، دقیق و سنجیده از منظر تثبیت منافع ملی آمریکا بود. من کلمه «ویترین مناسب» را گفتم؛ «این ویترین مناسب استفاده از سلاح کشتار جمعی علیه غیرنظامیان سوریه بود». حال فارغ از اینکه چه کسی مسبب اصلی فاجعه است؛ نکته مهم این بود که در این حادثه تلخ، ۸۹ نفر کشته شدند و این آمار تلخ، آن فرصت طلایی بود تا ترامپ نشان دهد در قبال قربانیان چنین فجایعی ساکت نخواهد نشست و نسبت به آن واکنشی انسانی نشان می‌دهد. اما همین مسئله همان‌طور که گفتم به نقطه اختلاف استیو بنن و ترامپ بدل شد و علاوه بر آن، نیکی هیلی، رکس تیلرسون، جارد کوشنر و... هم بر دامنه اختلافات این دو افزودند. بنن همچنان معتقد است که آمریکا نباید در هیچ جنگی به طور مستقیم حضور یابد و هزینه‌های هنگفت ایجاد کند. او معتقد است آمریکا نباید در باتلاق جنگ فرو رود و این باتلاق جنگ بدون شک سوریه است؛ در این باتلاق از یک سو گروه‌های متعدد معارضی مانند داعش، احرار الشام، ارتش آزاد و... و در طرف دیگر هم دولت «بشار اسد» وجود دارد که هدف آنها نابودی همدیگر است. البته نکته مهم دیگری هم که باید ذکر کرد آن است که در این باتلاق، کشورهای دیگر منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای درگیر هستند. باتلاق جنگ سوریه در طول تقریبا شش سال گذشته به تضعیف نیروهای آنها انجامید و در نهایت برای تجدیدقوا و نیرو، این کشورها دست به خرید سلاح می‌زنند که این موجب رونق‌گرفتن بازار سلاح و کمپانی‌های اسلحه‌سازی آمریکا می‌شود